

## قسمت سوم

هرچه تمامتر بوقوع پیوست، و اینک مابین اهمیت موضوع بطور اختصار بدو خصوصیات هر یک از طرق فوق الذکر میپردازیم تا ضناعلل انتخاب راه ایران و تقض بیطرفی آن از طرف روس و انگلیس برای عموم روشن گردد. اساساً کشور روسیه محدود بسرحدهات وسیع و همسایه با همسایگان متعددی است و از این حیث یک کشور بی نظیری در روی کره ارض میباشد. آتش جنگ در قسمت غرب و جزئی از شمال روسیه که متصل بخاک فیلاند است شعله ور بود و در اینصورت در سرحدهات باختر روسیه که جنبه خاور جنگ اروپا را تشکیل میداد راهی برای کمک بشوروی وجود نداشت، در سرتاسر سواحل شمال روسیه که تماماً متصل باقیانوس منجمد شمالی است دو بندر نسبتاً مهم یکی «مورمانسک» و دیگری «ارکانگلسک» وجود دارد که هر دو آنها بوسیله دورشته خط آهن بدانها تعلق شوروی ارتباط دارند. حمل مهمات از طریق این بندر آناً مورد توجه قرار گرفت ولی بنا بدلائلی که ذکر میگردد متفقین اجباراً از این دو بندر هم تقریباً چشم پوشیدند.

در طرف مشرق روسیه منتهی بسواحل خاک سبیری که مشرف باقیانوس ساکن است میگردد و بندر مهم «ولادیوستک» در کنار این سواحل واقع شده است در قسمت جنوب کشور روسیه هم مرز با ژاپن، چین، افغان، ایران و ترکیه میباشد. چین که یک کشور متفق محسوب میگردد در آن زمان گرفتار جنگ با ژاپن و ژاپن هم جزء متحدین آلمان و در باطن دشمن روس و انگلیس و امریکا و هنوز در آن زمان رسماً داخل در جنگ نشده بود.

در آن موقع تنها راه کمک و دسترس بخود چین راه برمه در جنوب این کشور بود که آنها بوسیله ژاپونیا اشغال و قطع گردید و بهین دلیل متفقین برای اظهار همدردی باملت چین گاهگاهی بازحمت فراوان بوسیله هواپیماهای حمل و نقل مقدار کمی مواد و مهمات ارسال میداشتند.

بهر حال، پرواضح بود که موقعیت جغرافیائی طبیعی و سیاسی چین و ژاپن و افغان اجازه نمیداد که متفقین بوسیله آنها با روسیه ارتباط زمینی و هوایی پیدا کنند و در اینصورت در جنوب روسیه دوراه باقی بود یکی ایران و دیگری ترکیه اینک محاسن و معایب طرق شمالی و جنوبی:

### ۱- راه مورمانسک

مورمانسک یا بوزمانسک بندری است واقع در منتهی الیه شمال باختری روسیه

## معای حمل و نقل

این بندر در کنار خلیج کوچکی که متصل به «دریای بارتز» یعنی قسمتی از اقیانوس منجمد شمالی، بنا شده و نزدیکترین نقطه روسیه از راه دریا به انگلستان است.

فاصله آن تا لندن ۲۹۴۸ کیلومتر تا مسکو ۱۲۰۴ و تا لیننگراد ۱۳۸۹ کیلومتر می‌باشد، فاصله لندن تا لیننگراد به ۲۴۵۰ میل محدود می‌گردد.

این فاصله نسبت به سایر طرقی که بعداً بشرحش خواهیم پرداخت به نسبت قابل ملاحظه کوتاه‌تر است ولی استفاده از آن در آن هنگام مقدور نبود زیرا اولاً آلمانها راه آهن مورمانسک به لیننگراد و مسکو را قطع کرده و این راه را از حیث ارتفاع خارج ساخته بودند. ثانیاً حرکت کاروان کشتی در دریای شمال با موانع و مضطربات بی‌شماری برخورد مینمود، چه آلمانها بادر دست داشتن سواحل نروژ تقریباً در دریای شمال و این راه مسلط و دائم‌آزیر دریایهای آنها مراقب عبور و مرور کشتیها بودند و هر چند مدتی عده‌ای از آنها را با بار غرق می‌کردند.

نه اینکه از این راه بهیچ وجه استفاده نشده است لیکن هر هنگام که احتمال خطر کمتر بنظر می‌رسید فوراً مقامات متفقین با اتکاء به شجاعت و دلیری ملوانان خود به حمل مهمات و محمولات از دریای شمال اقدام و خطرات و زیانهای بی‌شمار آنرا متحمل می‌گردیدند، بطوریکه داستان حمل و نقل راه مورمانسک و خسارات وارده از آن با سرسختی و بی‌باکی جنگجویان دریای انگلیس یکی از اسرار عجیبی است که شرحش جزء داستانهای تاریخی و نادر ثبت خواهد گردید.

بهر حال راه مورمانسک که در صورت آزاد بودن، اقصی‌ترین راه دسترسی به روسیه بشمار میرفت راهی نبود که در روزهای بهران سال ۱۹۴۱ بفریاد متفقین برسد.

### ۴- راه ارخانگلسک

ارخانگلسک بندر است واقع در شمال روسیه و در کنار خلیجی به همین نام متصل بدریای سفید، از این بندر يك رشته راه آهن که مستقیماً به شهر (ولگدا) واقع در شمال مسکو منتهی میشود امتداد یافته است و این شهر نیز با سه رشته خط آهن دیگر به لنین گراد و مسکو و نواحی صنعتی اورال متصل است.

فاصله بندر ارخانگلسک تا لندن ۳۶۱۱ کیلومتر و تا بندر «رستف» واقع در کنار دریای «آروف» در جنوب روسیه و تا شهر (سوردلفسک) واقع در نواحی

## قسمت سوم

صنعتی اورال ۲۱۲۲ کیلومتر و بطور کلی فاصله لندن تا «رستف» از این راه متجاوز از ۶۴۵۲ کیلومتر میگرده .

راه آهن از خانگلسک در داخل خاک روسیه تقریباً آزاد و خالی از خطر زمینی و هوایی بود، لیکن خود بندر و دریای مشرف به آن بیشتر از سال بعثت یخبندی مسدود و استفاده از آن فقط موقوف به فصل کوتاه تابستان آبخاست با وجود این متفقین امیدوار بودند که بتوانند به وسیله یخ شکن های نیرومند این بندر را در مدت زیادی از سال آزاد نگاه دارند اما این احتمال با حساب اینکه روسیه احتیاج کمک فوری و دائمی دارد جور نمی آمد. زیرا با آنکه فعالیت قابل ملاحظه در این راه و این بندر در تمام مدت جنگ اروپا بعمل آمد باز نتیجه مثبت و کافی گرفته نشد و اگر روزی اسرار حقیقی جنگ افشا گردد بخوبی معلوم میشود که خسارات وارد از این راه از حد خارج و قابل وصف نیست .

بهر حال راه از خانگلسک هم راهی نبود که در آن روزهای سخت و بحرانی نجات متفقین را تأمین نماید .

### ۳ - راه ولادیوستک

ولادیوستک بندری است واقع در کنار سواحل خاک سبیری مشرف به اقیانوس ساکن . یک رشته خط آهنی بطول ۹۲۶۰ کیلومتر ، که در سرتاسر خاک سبیری عبور می نماید ، این بندر را بپسگو متصل میکند . مسافت بین بندر سان فرانسیسکو واقع در سواحل غربی کشور آتازونی تا ولادیوستک یعنی عرض اقیانوس ساکن ۹۸۱۵ کیلومتر و از این رو مسافت بین امریکا و مسکو ۱۹۰۷۵ کیلومتر میگرده .

از همین راه فاصله آمریکا تا نواحی صنعتی «کولتیک» در سبیری ۱۵۳۷۱ و تا نواحی صنعتی اورال قریب به ۱۷۵۹۴ کیلومتر میرسد .

اشکالات حمل و نقل از این راه در درجه اول عبارت بود از : بعداً مسافت مجاور بودن با خاک ژاپون هم در قسمت دریا و هم در قسمت خشکی و از همه مهمتر محدود بودن حمل و نقل بوسیله راه آهن سبیری .

با این تفصیل در مدت ۵ ماه یعنی از روز شروع حمله آلمان به شوروی و تا روز ورود رسمی ژاپن در جنگ این راه بدون استفاده نبوده است و بعداً هم تا خاتمه جنگ با اشکال فراوان قسمتی از مایحتاجات کارخانجات سبیری و اورال از این راه حمل و نقل میگردید .

## معمای حمل و نقل

خلاصه اینکه کارشناسان شوروی و انگلیس پس از بررسی و مطالعات زیاد بدین نکته برخوردند که ناچار باید از طرق فوق یعنی راه مورمانسک، اوخانگلسک و ولادبوستک چشم پوشند و راه دریائی وزمینی امن تری را که در ضمن محتاج به اصلاحات اساسی باشد جستجو نمایند.

این بود که متوجه سرحدات جنوبی روسیه گردیده و آن هم همانطوری که فوقاً شرح داده شد دو راه احتمالی در جنوب موجود بود یکی ترکیه و دیگری ایران.

### ۴- راه ترکیه

ترکیه یکی از همسایگان جنوبی کشور اتحاد جماهیر شوروی است، در آن هنگام از طریق کشور عراق و در نتیجه خلیج فارس و همچنین از طریق کشور سوریه با امپراطوری انگلیس غیر مستقیم تماس داشت.

زیرا کشور عراق ۲۲ روز قبل از شروع جنگ روسیه و آلمان و ختم غائله «رشید عالی» و خاک سوریه ۲۰ روز بعد از شروع این جنگ بنام و کمک فرانسویان آزاد در تحت تصرف و اشغال نیروی انگلیس قرار گرفته بود ولی:

آتش جنگ در دریای سیاه شعله و و بنادر ترکیه در این دریا غیر قابل استفاده و مهمتر آنکه نقض بیطرفی ترکیه از لحاظ سیاست عمومی جنگ کار ساده‌ای به نظر نیامد.

چون ژنرالان ترک بی اندازه کوشا بودند تا این بیطرفی را تا سرحد امکان حفظ نمایند و علاوه بر فرض اینکه متفقین ترکیه را یا بطریق دوستی و یا بارویه مخالفت اشغال میکردند در هر صورت یک مقصود و غوغای جدیدی برای آنها ایجاد میگردد که ضررهای آن تا حدود شکست نهائی متفقین و پیروزی جنگ به مع آلمان خاتمه مییافت.

اصولاً یکی از خط‌های عظیم هیتلر قتل از جنگ با روسیه، حمله نکردن

بترکیه است.

با اشغال ترکیه برای آلمانها مقدور بود که خود را بمصیبت‌الغرب در خلیج فارس برسانند و بسولت باغوذ در قسمت شمال ایران، روسیه را خود بخود محصور نمایند.

علاوه بر این سه مرکز مهم نفت جهانی یا نیروی محرک جنگ یعنی نفت

## قسمت سوم

باد کوبه - ایران و عراق عرب را از حیز ارتفاع خارج ساخته و با دوبرگز اخیرا در تحت تصرف خویش در آورند .

برای آلمانها همچنین آسان بود که با اشغال ترکیه بر تنگه سوئز تسلط یابند و بالتبع با ایجاد یک جبهه جدیدی از طریق این کانال در خاک مصر «رومل» رافاتح و رد نیل گردانند ، در حقیقت خطر حمله هیتلر بر ترکیه ، برای انگلیس از خطر حمله آلمان بجزایر بریتانیا بیشتر بود چه در اینجا ، منجر به از بین رفتن منابع نفتی ، شکست در آفریقا ، محصور شدن روسیه و تسلیم شدن این کشور و بالاخره منجر به از دست رفتن قسمت مهمی از امپراطوری انگلیس میگردد .

از نکات اساسی فوق میتوان بخوبی معلومی که متفقین را وادار کرد تا در حفظ بیطرفی ترکیه سهم و شریک باشند پی برد ، ترکیه را طبق آن اصول باید علاوه از بیطرفی راضی نیز نگاهداشت ، چنانکه ملاقاتهای پی در پی زمامداران ترکیه با انگلیس و واگذاری اسکندریه باین کشور و سپس کوشش در عقد قرارداد های تعارضی و اقتصادی ، استفاده ترکیه از قانون وام و اجاره و غیره تمام نمونه ای از مساعی و علاقه انگلیس و آمریکا بنظر راضی نگاهداشتن ترکیه در برابر تایلات شدید همکاری آلمان با ترکیه میباشد .

زمامداران ترکیه هم از فرصت استفاده و از جانب آلمان هم مزایایی برای خود قائل گردیدند و بالاخره دو ظاهر چنین معلوم میشود که ترکها در مدت جنگ پیش از سایر کشورهای بیطرف صاحب منافع بیشمار گردیده و کثیر آثار هجوم جنگ با آنها سرایت کرده است .

با اینوصف با اشاره متفقین نسبت به یک تجاوز یادخول دوستانه بر ترکیه ، آلمانها نیز موقع را متنعم هم رده و خبطهای گذشته را بایکدنیا اشتیاق جبران میکردند و بلا درنگ باقوای هنگفتی بنگاه ترکیه حمله ور و مزایای مشروح فوق را که شروط اصلی پیروزی بود بچنگ میآوردند . بخصوص که آمادگی انگلیس در مسابکی با ترکیه یعنی در کشور عراق و سوریه نسبت بقوای آلمان متمرکز در بلغارستان و یونان ، مسابگان دیگر ترکیه بمنزله یک بده بود .

در صورتیکه چنین تصور شود که هیتلر قادر بتصرف ترکیه نیگردد و این معبر برای ارسال مهمات بروسه بکار میافتاد . آلمانها با در دست داشتن بلغارستان که نقاط سوق الجیشی آن مشرف و مسلط بر خاک ترکیه است ؛ دائما این راه ارتباط را مورد حمله هوایی قرار داده و نیگذاشتند که از این راه و بنادر ترکیه در دریای سیاه حاصلی گرفته شود .

## همای حمل و نقل

طت دیگر عدم انتخاب راه ترکیه اینکه ،  
طرق این کشور زیاد از حد نزدیک به خطوط جبهه جنگ قرار گرفته بود  
در صورتیکه برعکس مراکز تولید نیرو و مقاومت و آماده شدن قوا در روسیه  
خیلی دورتر از این راه بود .

### همراه ایران و مختصات و مزایای آن

ناریها با سرعت بیانندی در خاک روسیه پیش میروند تا اراده و آرمان  
پیشوای خود را بمورد عمل و اجرا گذارند ؛ شکست روسیه باید حد اقل در مدت سه  
ماه و حدا کثر در فاصله چهار ماه پایان پذیرد ؛ تمام مقدمات و آمادگی ارتش آلمان  
دویدو شروع حمله بشوروی بطریقی تهیه و تدوین شده بود که در آخر آن مدت یعنی  
اول فصل زمستان سه هدف اصلی و مهم ؛ لنین گراد مسکو - کیف در تصرف  
قوای آلمان بوده باشد .

هیترلر ، نقشه هجوم خود پیش بینی فصل زمستان و جنگ با زمستان را نکرده بود  
زیرا تمام حساب او در لشکرکشی بروسیه استوار بر آن بود که : دولت  
شوروی بگه و تنها است ؛ و تا متفقین باندیشه کمک باین کشور افتند در  
همان اول زمستان دیگر روسیه وجود نخواهد داشت ؛

اکنون ببینیم این حساب تا چه اندازه در عمل بحقیقت نزدیک میگردد .  
پس از سه ماه از تاریخ شروع به حمله ، « کیف » سقوط کرده بود ، لیسگراد  
در حلقه آهنین ارتش آلمان سر میبرد و پس از چهار ماه منظره مسکو بخوبی بادور .  
بین افسران یروس مشاهده میگردد ؛ عمق پیشرفت آلمانها در خاک روسیه از ۷۸۰  
کیلومتر تجاوز میکرد و از همه مهمتر هنوز سپاهیان مهاجم دارای تجهیزات کافی  
و روحیه بسیار عالی بودند . در مقابل باقیمانده ارتش روس دره قابل آخرین سگرمهم  
خانه خود گرسنه و برهنه با شجاعت و فداکاری بینظیری میجنگیدند .  
همل مهم و امیدبخش همان بود که با وجود از دست رفتن قسمت عمده و اساسی  
کشور اتحاد جماهیر شوروی ، مسکو « یعنی قلب روسیه از کار باز نماند و بچنگ دشمن نیفتد .  
شورویها با امیدواری با استفاده از کمک آینده و نزدیک منفقین تمام قوای  
باقیمانده و تجهیزات و سازو برگ و ذخیره خود و حتی خوار و بار ناچیز توده را  
برای مسکو و جبهه مسکو و اطراف مسکو اختصاص دادند تا این نقطه حساس را  
بهر طریقی که ممکن است نجات دهند منتهی چون قسمت اعظم نیروی آلمان در  
خاک روسیه در جاده مسکو بکار افتاده بود و منبعی هم از حیث مهمات و خوار بار برای  
چیران ضایعات در دسترس روسها نبود ، بدریج در دفاع دلیرانه ارتش شوروی

## قسمت سوم

فتوری رخ میداد که در نتیجه وضع مسکورا بی اندازه مبهم و ادامه به حیات بقیه روسیه را کاملاً مشکوک میکردانید.

در خلال همین لحظات حزن آور تا گه‌بان اوضاع و احوال گون میشود و روسها با پشت گرمی کامل بقوه دفاع و فداکاری خود ساعت ساعت می‌افزایند و آنها با تعجب تمام اجباراً از شدت حمله خویش کاسته و علت را جستجو میکنند قضیه بروی روشن میگردد زیرا مهاجم منور مشاهده میکنند که روسها با اسلحه و وسایل حمل و نقلی بر علیه دشمن در نبرد هستند که ساخت آمریکای انگلستان پس معلوم میشود که متفقین عهد خود وفا و در لحظه حساسی بفریاد متحد خویش رسیده‌اند.

آیا این اسلحه و این مواد از آسمان فرو ریخته شد و یا از زیر زمین دوپشت جیبه تسلیم شوروی‌ها گردید؟! هیچکدام، با این وصف از چه راه و با چه وسائلی این امر مهم آید با این سرعت انجام گرفته است؟! پاسخ این مطلب مهم بسیار ساده است زیرا همانطوری که در همین بخش بندگوش برداختیم راه‌های ولادیوستک - مورمانسک ارخانگسک و ترکیه فاقد چنین شرابط و افتخاری بودند و این فقط از راه ایران و در اندو امر با کلید و وسایل و حمل و نقل موجود ایرانی بود که در آن ایام بسی هر لنگ این اسلحه و مواد حیاتی در جاده مسکو بدست شوروی‌ها رسید و در نتیجه حمله سهمگین دشمن متوقف و مسکو برای همیشه و روسیه موقتاً در آن زمان نجات پیدا کرد. مقدمه مختصر فوق بدین علت قلم‌زد کردید که برای خوانندگان اهمیت درجه پیش بینی و تصمیم قاطع کارشناسان را در انتخاب راه ایران، آشکار و روشن کرده باشیم

اینک مزایا و خصوصیات این شاهراه نجات:

## الف- راه ایران از لحاظ مسافت

فاصله بین «لیورپل» در انگلستان تا بندر شاهپور واقع در کنار خلیج فارس از طریق دریای مدیترانه ۱۲۰۳۸ کیلومتر و از بندر شاهپور تا بندر شاه واقع در کنار بحر خزر و نزدیک بسرحد روسیه ۱۳۹۴ کیلومتر، از بندر شاه تا بادکوبه ۶۹۸ و از بادکوبه تا رستف (از راه ایران) بالغ بر ۱۵۵۷۴ کیلومتر میگردد. این مسافت نباید زیاد دور و طویل در نظرها جلوه کند، مخصوصاً از این

## معنای حمل و نقل

حیث که بیشتر فرستاده‌های انگلیس از مستمرات اصلی این کشور فراموش می‌شود و این مستملکات هم عبارت بودند از: هندوستان - استرالیا - مالزی - که مواه صادره از آنها در کوتاه‌ترین مدت از راه ایران در سرحدات روسیه پیاده می‌گردید. فاصله نیویورک تا روسیه از راه اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه و ایران در حدود ۲۲۰۰۰ کیلومتر می‌باشد.

بسیب همین مجاورت ایران با منابع جنگی انگلیس بود که دو ماه و چند روز پس از حمله آلمان به شوروی نخستین مرسولات متفقین از طریق ایران بدست شورویها رسیدند زیرا درست دو ماه پس از همین جنگ هجوم متفقین بایران صورت گرفت و در دنباله همان کشتی‌های جنگی که نیروی دریایی مختصر ایران را بسیاران مینمود کشتی‌های دیگری پر از مواد و مهمات برای پیاده کردن بایران و حمل به شوروی سف کشیده بودند و اگر عراق نگفته باشیم از همان روز سوم شهریور حمل و نقل مهمات بسوی روسیه در جاده‌های متعدد ایران شروع گردیده است.

## ب - راه ایران در چهار فصل

یکی از مزایای مهم راه ایران، استفاده آن در فصول چهارگانه سال می‌باشد که سایر طرق مذکوره در فوق از این مزیت فاقد بودند. پرواضح است که کمک به روسیه وقتی کاملاً مؤثر می‌گردد که بطور دائم و پیوسته فرستاده شده باشد و الا جریان تجهیزات لشکرها و بکار انداختن کارخانجات شوروی مدت‌ها بتعمیق می‌افتاد.

اهمیت این موضوع با اقتدار دستر این وزیر خارجه وقت انگلیس در تاریخ «۱۴ آبان ۱۳۲۰» در مجلس شورای ملی بریتانیا در این باره بخوبی آشکار می‌گردد. این می‌گوید:

«... این جریانات مساعدی که در ایران پیدا شده، ما را قادر ساخته است که راهی برای حمل مرسولات خود به روسیه باز کنیم و امتیاز غیر قابل وصفی که این راه دارد آنست که در تمام فصول سال قابل استفاده است، برای افزایش میزان استفاده از راه آهن و جاده‌های ایران هم تا کنون ترتیبات لازم داده شده است.»



## قسمت سوم

### ج - راه ایران از لحاظ امنیت

کشور ما بسافت قابل ملاحظه در جنوب و پشت جبهه جنگ روسیه قرار گرفته بود، و علاوه دور بودن ایران از نقاط مبدأ پرواز هواپیماهای آلمانی این مزیت را بر راه ایران میافزود که :

متفقین کلبه محمولات خود را با خاطری آسوده بسوی هوروی حمل نمایند مخصوصاً مرسولات صادره از هندوستان - استرالیا - مازری که اساس کمک انگلیس را تشکیل میداد تحقیقا بدون هیچگونه دغدغه و تشویش ارسال و در خاک ایران پیاده و بسوی مرزهای شوروی حمل میگردد، در صورتیکه راههای مورمانسک - اوخاسکلسک - ولادیوستک هر سه آنها اضافه بر موانع طبیعی بعلت ناامنی دریائی و زمینی ناشی از دشمنان متفقین اغلب غیر قابل استفاده و متضمن صدمات بیشمار بود .

هر گاه خسارات و زحماتی که متفقین در مسیر راههای دیگر تحمل نموده اند با امنیت کامل راه ایران مقایسه نمایم آن وقت درجه اهمیت راه کشور ما نزد هر منصفی بخوبی آشکار و روشن میگردد.

**در حقیقت در تمام مدت سه سال و نیم حمل و نقل در خاک ایران کوچکترین خطری از هیچ طریقی متوجه محمولات و هم - چنین خود متفقین نبوده است تنها بکبار آن هم در نتیجه بی احتیاطی مأمورین غیر ایرانی یعنی هندی يك و اکون کوچک مهمات در ایستگاه اهواز منفجر و باعث تلف شدن چند نفر گردید.**

باید اضافه کرد که موجود بودن این امنیت در خاک ایران مولود مراقبت و زحمات دولت و حسن نیت کامل ملت آزادیخواه و آزادی دوست ایران بوده است .

### د - راه ایران یا راههای ایران

از دید نظریت حمل مهمات بسوی هوروی خود نیز يك عامل مهم نجات روسیه بشمار میرفت، بعبارت دیگر لازمه موفقیت و امید بجلو گیری از پیشرفت آلمانها آن بود که ، در حد اقل مدت حد اکثر حمل و نقل بعمل آمده باشد ، و

## معمای حمل و نقل

این امر یعنی این ظرفیت تابع عواملی بود که یکی از آن ها تعدد جاده و راه می باشد .

خوشبختانه جاده های شوسه و راه های بیشمار ایران این شرط حیاتی را خود بخود حائز و بهیچوجه راه ایران احتیاج باحداث جاده نوینی نمیداشت .  
تمرکز نقاط آباد و پر جمعیت در شمال که مجاور باخاک روسیه است ، چنین ایجاب کرده بود که طرق شوسه متعددی در این خطه زرخیز ایران ساخته شود ، همچنانکه سه رشته خط آهنی منشب از تهران به ، بندر شاه - رنجانب - هامرود و ادامه ساختمان دوخط اخیر بطرف تبریز و مشهد ، خود شاه مقدمه تکمیل خطوط ارتباطی نقاط مهم شان بوده و میباشد .

از طرف دیگر منتهی شدن این حاده ها و خطوط بنقاط مختلف سرحدات طویل روس و ایران و اتصال آنها براههای جنوب و مغرب ایران که بار انداز معمولات متعین محسوب میگردد ، کار حمل و نقل و ازدیاد ظرفیت آرا بجه کافی تامین و آماده کرده بود .

همین تعدد راه ایران و ظرفیت مناسب آن بود که دوستان ما در بدو ورود خود روزانه ۱۸۰۰ الی ۴۰۰۰ تن مواد حمل می نمودند این رقم بعدا تا ۴۵۰۰ الی ۵۰۰۰ تن !! ترقی داده شد برای مقایسه اهمیت این موضوع یاد آور میشویم که در هنگام باز بودن راه «برمه» و راه آهن «رانگون» باحد اکثر کوشش فقط ۱۸۰۰ تن در ماه بکشور چین مهمات کمکی ارسال میگردد .

پس کلمه «راه ایران» درحقیقت متضمن و مستند راههای بیشماری است که بشرح یکایک آنها بعدا در جای خود خواهم رسید .

## ۵- راههای ایران در لحاظ آمادگی

در روزگار تیره و تاریک شهر یور و مهر ماه ۱۳۲۰ که آلمانها نزدیک بسرحد پیروزی در حربه شوروی رسیده بودند و روسها باصرف آخرین قسمت از ذخیره جنگی خود در حال ناامیدی و اداکاری میکردند يك مسئله در حیات و مهمات متعین دخالت تام داشت ، و آن ازدیاد سرعت حمل و در نقل مواد کمکی روسیه ود . در حلال ماههای شهر یور و مهر ۱۳۲۰ با همان شدت و سرعت لازم از

## قسمت سوم

خطوط شوسه و راه آهن حاضر و آماده ایران و در بند و امر با تمام وسائل موجود آن استفاده گردید و همانطوریکه تاریخ جنگ دنیا نیز ثبت کرده است و فوقاً شرح مختصر آن گذشت همین کمک اوضاع جبهه روسیه و آوزوی هیتلر را واژگون و آخرین کام پیشرفت آلمانها بدینوسیله پس از دو سال پیروزی و غرور دائمی متوقف گردید .

پس اگر فرض شود که در بند و ورود و هجوم متفقین بایران این خطوط و این راه آهن و این وسائل در این کشور نبوده و دول روس و انگلیس مجبور به ساختن راهی میگرددند، آنوقت با رسیدن مواد کمکی بموقع و بمصداق «بوش دارو پس از مرگ» یکنوع تغییرات شومی در جنگ و دنیا و تمدن و آزادی بوجود میآید که تصور آن خیلی مشکل و خیال آن بی اندازه هولناک است .

## و - راه ایران ازلحاظ تثبیت و اتصال جبهه خاور میانه

استفاده از راه ایران بمنظور کمک بشوروی از یکطرف، مزیت آن از نظر اتصال و تثبیت جبهه شکسته متفقین از یک طرف .

هندوستان بوسیله نیروی دریائی عظیم انگلیس بالنهین متصل و مربوط، ایران در جوار هندوستان یک کشور بیطرف، عراق و سوریه و تنگه سوئز و مصر هم که بترتیب همسایه بایکدیگر هستند در دست انگلیس و خود خاک مصر نیز از طریق دریای مدیترانه و تنگه جبل الطارق و یا از جانب دریای احمر و دماغه کاپ در جنوب آمریکا بلندن مربوط و در این صورت ، اتصال این رهنه حیاتی بزرگ، با بیطرفی ایران پاره و گسته شده بود و بی اندازه لازم و ضروری به نظر میرسید که بانقض بیطرفی ایران و مستحکم نمودن این قلعه، جبهه خاور میانه را متصل و ثابت نگاهداشت .

با این ترتیب و با وجود این موایای گرانبها، راه ایران انتخاب و معمای حمل و نقل در روی نقشه و نزد زمامداران روس و انگلیس حل شد، اکنون باید دید چگونه این راه حل بمورد اجراء گذاشته شده و تا چه مدت پس از این تصمیم عملا از این راه بی نظیر استفاده میگردد .

بخش اول - قسمت چهارم

## جنگ اعصاب

تاخیر شکست و پیروزی!! - مبارزه با ستون پنجم

در ایران!! - آثار هجوم رضا شاه و متفقین

راه ایران با آن مزایا و محسناتی که در قسمت های قبل شرح داده شد  
انتخاب و مقدمات هجوم به يك کشور بی طرف با يك طرف بی سابقه فراهم  
گردید .

برای دولت و ملت ایران خندان احتیاج بدانستن این نکته نیست که ،  
کدامیک از دولتین شوروی و انگلیس ، در آن ایام بحرانی پیشقدم شده و پیشنهاد  
استفاده از این راه را نموده اند ، ولی با دقت در مطالب گذشته نسبت به شخصیات  
راه ایران و همچنین محاطرات و مشکلات موجود در طرق دیگر ، چه در داخل  
خاک شوروی و چه در خارج آن ، بخوبی استنباط میگردد که راه کشور ما  
بدوا از طرف روسها انتخاب و پیشنهاد شده است بطوری که عملا نتیجه آن برای  
هر دو ، بلکه تمام دنیا مفید و یکسان بوده است .

« آنچه که برای مردم ایران و تاریخ آینده بسیار ناگوار و دور از حق  
و انصاف بنظر میرسد طریقه استعداده و عمل متفقین در ابتدای حمله باین کشور  
> و بعلاوه یارهای از رفتار و اعمال نفوذ خارج از وجدان آنها در دولت و ملت  
« ایران در مدت اقامتشان میباشد که ما اجارا در يك فصل از این کتاب برای  
> اینکه نسل آینده ایرانی از حال و روز زندگانی پدران امروزی خود بدرستی  
آگاه شود تا آنجا که قلم اجازه دهد با بیطرفی کامل بشرح آن میگردانیم و  
ر ضمنا ضرر و خسران هائی که از این حیث هم متوجه ملت ایران شده است

## جنگ اعصاب

» یادآور خواهیم شد.»

مسئله هرگاه پیمان اتفاق مصوبه ۶ بهمن ماه ۱۳۲۰ مجلس شورای ملی که از طرف دولت بریتانیا طرح آن تنظیم و با وضع مطلوبی موفق بجنب روسها در شرکت آن شده بودند، پیشنهاد بمانشده بود، دیگر در حقیقت انتظار وجود هیچگونه دوستی و علاقه پایداری بین این ملت کهنسال و دو دولت اخیر معنی نمیداشت. بهر حال پس از اینکه در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۲۰ یعنی ۲۶ روز پس از حمله آلمان بشوروی، مذاکرات محرمانه متفقین راجع باشغال ایران بمرحله قطعی خود رسید و دولت روس و انگلیس در صدد برآمدند که مقدمات هجوم بایران را فراهم آورند. باین نکته مهم برخورد کردند که تصرف ایران علاوه از تدارکات احتمالی نظامی مستلزم کوشش در راه آماده کردن روحیه مردم دنیا بمنظور نقض بیطرفی این کشور نیز خواهد بود زیرا متفقین بغوی واقف بودند که در یک زمان بسیار نامساعد و یک محیط تاریکی قرار گرفته اند و داشتن یک درست و یک متفق چه از طبقه ملل کوچک و چه بزرگ نهایت ارزش و اهمیت را برای آنها در بر خواهد داشت، بخصوص که معور ابتکار عملیات جنگی و روحی در آن زمان کاملاً در دست نازی ها فور میزد و غالب کشورهای بیطرف متوجه و مرعوب فتوحات و تبلیغات آلمانها گردیده بودند.

امیراطور بریتانیا در آن زمان علاوه از آنکه جداً سعی بود تا در نتیجه سوم این نوع تبلیغات رخنه در اتحاد و اتفاق مستعمراتش پیدا نشود، باندازه صد برابر زمان صلح کوشش و تلاش مینمود تا یک دولت دیگری را که سربار او نباشد با خود هم افق و هم آهنگ نماید در این باره همین اندازه یاد آور میشویم که دولت انگلیس مجبور بود بوسیله یک تشکیلات عظیم سری مرکب از هزاران مامور و کارمند خفیه، صدها میلیون لیره بمصرف برساند تا ملت آمریکا را که هم زبان و هم مسلک و هم کیش با ملت انگلیس میباشد کاملاً همراه ساخته و اثر تبلیغات آلمانها را در بین نفوس این کشور بتدریج خنثی نماید.

انگلیسها دائماً در تلاش بودند که در نبرد تبلیغاتی و جنگ اعصاب هم شکست خود را جبران نمایند و بسا کنین کره ارض بفهمانند که نظم نوین هیتلر جز ظلم و ستم چیزی بارمغان نخواهد آورد و تنها آزادی مطلق است که آسایش و سعادت ملل را تامین کرده و خواهد کرد.

## قسمت چهارم

اوضاع آن وقت اینطور اقتضا داشت که حتی انگلیسها از بعضی مطامع ضروری جنگی خود صرف نظر نموده و آرادینخواهی خویش را نزد عموم ثابت نمایند.

«در صورتیکه موقعیت زمان جنگ ایجاب میکند که از آزادی کامل هم جلوگیری بعمل آید.»

متفقین در آن هنگام از يك قطعه ضعف بزرگ هبتر استفاده نموده و حملات غیر موجه و بیابایی این پیشوارا بکشورهای اروپائی نشانه خود خواهی و تسلط و آقائی بر دنیا معرفی می نمودند و زمامداران متفق در همه جا و همه وقت این مطلب را بعالمیان گوشزد و خود را از آن عاری میدانستند.

در چنین زمان نامساعدی دولتین روس و انگلیس از راه اضطرار، خیال هجوم بکشور ما را داشتند و با ایفوصف قطعی بود که تقض بیطرفی ایران بدون هیچ مقدمه و دلیل موجه علاوه از اینکه با گفتار و تبلیغات آزادی خواهی آنان کاملاً مغایرت داشت منجر بشکست روحی و عصبی بزرگی در دیا برای آنها میگردد و همین امر مهم باعث شد که متفقین، مخصوصاً انگلیسها در صدد بر آیند که با تاخیر انداختن تصرف راه ایران، قلاباً طرزها قلاهای روحیه مردم گیتی را برای این حمله، مساعد و حاضر گردانند، این تاخیر را که یکماه و هفت روز طول کشیده است، در حقیقت میتوان جزء تاخیر شکست آلمان در جبهه مسکو و تاخیر پیروزی متفقین محسوب داشت. البته در خلال این مدت تدارکات نظامی بنظور حمله و اشغال ایران و همچنین تهیه و حایل حمل و نقل اولین قسمت مواد کمکی شوروی نیز عمل آمده است.

## مبارزه با ستون پنجم در ایران !!

«ستون پنجم» در اصل يك اصطلاحی است که از زمان وقوع جنگ های داخلی اسپانیا شایع شده است، یعنی هنگامیکه بوسیله چهار دسته یا چهار ستون از قشون شورشیان بر است زوال «فرانکو»، جمهوری خواهان محاصره شده بودند ضمناً یکدسته دیگر از یاران فرانکو در داخله اسپانی بین جمهوریخواهان مشغول جاسوسی و خرابکاری بنفع شورشیان بودند، در حقیقت نیروی شورشیان

## جنگ اعصاب

از پنج دست تشکیل گردیده بود، نه چهار دست بهمین لحاظ دسته اخیر ستون پنجم معروف شد و بعد ها این دو کلمه بکلیه همداستان آلمان در جنگهای هلند و بلژیک و فرانسه اطلاق گردید.

فعالیت ستون پنجم باندازه ای مهم و مؤثر بوده است که علت اصلی شکست کشور مقتدری مانند فرانسه نتیجه خراب کاری و نفوذ افراد این دسته میباشد؛

## اما قصه ستون پنجم در ایران !

برای اینکه هجوم آینده متفقین بایران دچار اشکال نشود و با انعکاسات مخالف و شدید مردم دنیا تصادم ننماید و همچنین برای اینکه به حیثیت و آبروی آنها از نظر آزادیخواهی و حفظ احترام با استقلال و حاکمیت و بیطرفی کشور های دیگر، لطمه وارد نگردد اینطور ادعا کردند که ستون پنجم آلمان یعنی يك دسته از همان جاسوسان مخرب و مخوف نازیها در ایران مشغول فعالیت بوده و خطر بزرگی برای استقلال این کشور و منافع متفقین تولید نموده اند !!

در پیرو همین نقشه در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ اولین یادداشت دولتی شوروی و انگلیس درباره اخراج آلمانی های مقیم این کشور تسلیم وزارت خارجه ایران گردید، و در تعقیب آن پس از این تاریخ وسیله رادیو و خبر گزارهای دست نشانده انگلیسها از قبیل خبرگزری فرانسه، آزاد تبلیغات بر علیه کشور بیطرف ما شروع گردید.

این تبلیغات يك نوع اسلحه ای بود که صرفاً منظور جنگ اعصاب و بدست آوردن بهانه برای نقض بیطرفی ایران بکار میرفت، از اینرو چندان به تنظیم مفاد انتشارات خبر گزارها اعتنائی نداشتند، بطوری که گاهی آشکارا از جاده حقیقت خارج شده و مطالبی را منتشر میساختند که بهیچوجه با اوضاع ایران مطابقت نداشت و در نتیجه انعکاسی غیر از آنچه که متفقین طالب بودند ایجاد میکرد.

شاهد حقایق فوق یقیناً از تبلیغات و انتشارات آنهاست که برای نمونه ذیلا بنظر خوانندگان گرامی میرسد :

خبرگزاری فرانسه آزاد در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۲۰ چنین انتشار میدهد که :

## قسمت چهارم

« سازمان ستون پنجم آلمان در ایران و افغانستان بر قرار گردیده و  
« عمال آلمانی از آن استفاده کرده بسرزمین های مجاور جمهوری های قفقاز  
« و ترکستان و نواحی شمال هندوستان راه می یابند، حوادث داخلی بخرابکاری  
« که در مراکز صنعتی قفقاز روی داده مراقبت زمامداران شوروی را یش از پیش  
« فزون کرده، بیشتر وقت دولت انگلیس معطوف به آست که بالشکاه ها و منابع نفت  
« شرکت نفت ایران و انگلیس از خطر مصون بماند . عمال آلمانی با مهاجرین  
« روس سفید که برخی از آنها با گذر نامه آلمانی وارد ایران شده اند همکاری  
« میکنند ، نمایندگان دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس دقت دولت ایران  
« در نسبت به این فعالیت خطرناک عمال آلمانی که میکوشند کمک بازرگانان ایرانی  
« را در خاک شوروی (۱) ، انگلیس بدست آورند جلب کرده اند »  
بلافاصله در همان تاریخ خبرگزاری پارس با اجازه دولت ایران پاسخی به  
قرار زیر منتشر نمود :

خبرگزاری پارس مجاز است با گاهی خوانندگان برساند،

« نظریات انتشارات و تبلیغاتی که درچندی پیش از طرف بعضی خبر گزاریهها  
« نسبت به پاره ای از بیگانگان مقیم ایران شروع شده و این اواخر بواسطه  
« وقوع حوادث جنگ میان آلمان و شوروی شدت یافته و ممکن است اسباب نگرانی  
« واضطراب در افکار بشود ، محض رفع هر گونه اشتباه و برای روشن شدن  
« مطلب خاطر نشان می شود: منابعی که این اخبار را منتشر میسازند مثل این  
« است که از وضعیت ایرانی و سازمان فعلی اینکشور بی اطلاع هستند . در این  
« صورت بهتر است یش از نشر اینگونه اخبار درصدد کسب اطلاع برآیند و  
« سقایق را در نظر بگیرند، آتوقت بر آنها معلوم خواهد شد که کلیه افراد ساکنین  
« این کشور اعم از ایرانی و بیگانه در هر مقام و شغلی باشند تابع نظامات جدی  
« دولت میباشند و اصول و مقررات مرتبی بر آنها حکمفرما است که تخلف از  
« آن موجب تعقیب و کیفر میباشد، مخصوصاً از زمان بحران کنونی دنیا بر این  
« مزاحمت ها افزوده شده و با هلاک کامل دولت بحفظ انتظام و آسایش کشور و  
« رعایت دقیق سیاست بیطرفی که همواره محفوظ بوده احدی را یارای  
« تخلف نیست .

« کلیه بیگانگان که در این کشور هستند معلوم است که برای چه کار آمده و  
« چه می کنند و وضعیت رفتار و زندگی آنها بر مقامات مربوطه دولتی روشن



## جنگ اعصاب

« می باشد بنابراین هیچکس نمی تواند از حدود خود خارج و مشغول تشبثات و عملیات غیر مجاز بشود، شماره اتباع بیگانه معلوم و فهرست آن موجود است و نباید باخبر بی اساس و اغراق آمیز که نسبت به شماره آنها اشتهار داده میشود ترتیب اثر داد. علاوه دولت حافظ حقوق مشروع عموم ساکنین کشور و دولت هائی که با ایران روابط دارند می باشد و بوظائف خود و در اجرای قوانین و مقررات و عهود کاملاً دقیق و مواظب است.»

اضافه بر پاسخ کافی و شایسته فوق روزنامه های مهم کشور ایران مانند (اطلاعات) و (ایران) و غیره نیز در طی شماره های متعدد هر یک شرح مبسوطی درج و موهوم بودن مراتب فوق را ثابت و مدلل ساختند. مخصوصاً این نکته بیشتر شایان توجه و تنقید بوده و می باشد که اصلاً یکذر بازرگان ایرانی هم در حاک روسیه نبوده است و تمام دنیا از مقررات حکومت شوروی درباره منع ورود اتباع بیگانه حتی بازرگان بخوبی آگاهی داشتند و در این صورت جعل اینگونه اتهامات برای هر مرد عامی هم روشن و هویدا بود.

در خلال همین اوقات، جراید خارجیه مخصوصاً جراید کشورهای بیطرف تر که بنوبه خود بادوک و ملت ایران همدردی نموده و در اطراف بی اساس بودن این تبلیغات قلمفرسائی کرده اند از آن جمله سر دیر روز نامه «صون تلگراف» می نویسد:

« همسایه دوست ما ایران در مقابل هر گونه حوادث جنگ از رول نهست تا کنون بیطرف مانده است، ایران مفهوم صلح را میدانند و شکی نیست راه خود را درجه بیطرفی پیموده و اجازه نخواهد داد آتش جنگ کنونی بآن کشور و کشورهای خاور نزدیک و میانه سرایت نماید.»

روزنامه (جمهوریت) در طی مقاله ای یادآور میشود:

« حکومت ایران مسئول حفظ سیاست بیطرفی کشور بوده و این حکومت حرکاتی ننماید که مخالف بی طرفی باشد، ایران کشوری است که حافظ آزادی و استقلال خود بوده و وجود چند تن بیگانه نمی تواند استقلال او را برهم زند.»

سر دیر روزنامه (آغشام) مینویسد:

« نتیجه جنگ هر چه باشد تغییر در این حقیقت نمیدهد که ایران بی طرف بوده و برای اینکه میخواهد از آتش جنگ برکنار بماند به حفظ بی طرفی خود

## قسمت چهارم

« آماده میدهد و در نتیجه این بی طرفی منظور ملل خاور زمین را تامین نموده است »

انعکاسات صحیح و وارد در جراید داخل و خارج ایران نتیجه و اثر همان تبلیغات ناموزون متفقین میباشد و مسلمات تاریخ دنیا این مراتب را با خطوط برجسته ثبت کرده و حق و باطل را برای نسلهای آینده روشن خواهد ساخت. راجع بایران حتی انتشار داده که دسته ای از آلمانها دستور یافته اند، برای ایجاد ارمنستان جدید و بزرگتری با تجزیه قسمتی از خاک ایران و ترکیه شروع با اقدامات مقتضی نمایند.

در صورتیکه ارمنیها هرگز با آلمانها مناسبات نزدیک و صمیمانه نداشته اند و بعلاوه در صورت چنین خیال شومی از طرف آلمانها مربوط بتجزیه آمدن قسمتی از خاک ایران، آنوقت چطور ممکن بود که بین ایران و آلمان، همکاری صمیمانه برقرار بوده باشد و یا نسبت باتباع آلمانی دولت ایران نظر موافقی داشته باشد؟! برعکس دولت ایران رفتار و کردار فرد فرد اتباع بیگانه بخصوص آلمانها را زیر نظر و مراقبت جدی قرار داده بود و باید با کمال انصاف حق داد که نتیجه همین دقت و مواظبت بود که از روز شروع جنگ جهانی دوم تا روز سوم شهریور ۱۳۲۰ یک نفر بیگانه قادر نگردید که دست با اقداماتی کند که خلاف مقررات و نظامات ایران باشد و یا به بیطرفی کشور ما خللی وارد سازد.

با وجود این چون متفقین منظورشان حاضر کردن روحیه مردم دنیا و نشان دادن علتی برای هجوم آینده خود بایران بود، دست از تحریرات و تبلیغات مخالف برنداشته و تا جایی که «ایدن» وزیر خارجه انگلیس در طی نطقی در مجلس شورای ملی بریتانیا، ارسالیند داشت مورخه ۲۸ تیرماه را بدولت ایران آشکار ساخت و این نطق بدین منظور ایراد گردید که صحت مطالب منتشره از طرف خبرگزاریهای تابعه دولت را تأیید کرده باشد و در ضمن هم ذهن نمایندگان مجلس را برای وقوع يك حادثه و اقدام نویسی از طرف دولت انگلیس در خاور میانه حاضر و آماده نموده باشد.

«ایدن» در نطق خود پس از آنکه خواستار همکاری ملل خاور میانه میگردد بایران اشاره کرده و میگوید:

«ورود عده زیادی خبرگان آلمانی خطر بزرگی برای استقلال کشور ایجاد کرده است و دولت انگلیس از روی کمال پاکی و صداقت نسبت باین

## جنگ اعصاب

« خطر بدولت ایران آگاهی داده و امیدوار است این آگاهی مورد اعتنا قرار گیرد ۱۱۱ »

دولت ایران یعنی رضاشاه در بندو امر باین تبلیغات چندان توجه و اهتنائی نکرد، زیرا رضاشاه یقین داشت که بهیچ طریقی خطری از طرف بیگانگان مقیم این کشور نه متوجه استقلال ایران بوده و نه متوجه همسایگان مامیباشد.

اگر مشاهده شد که در همسایگی ایران یعنی در خاک عراق، اغتشاشاتی بر علیه انگلیسها رخ داد، برای آن بود که اولاً اقتدار و تسلط حکومت مرکزی عراق باندازه حکومت ایران نبود و ثانیاً مراقبت در اعمال اتباع بیگانگان با آن وضع و ترتیبی که در ایران جریان داشت در آنجا بعمل نیامد.

از طرف دیگر برای رضاشاه و دولت و ملت ایران همیشه حادثه، خود یک درس عبرتی بود، زیرا همانطوریکه مشاهده شد آلمانها قادر نگردیدند که کمک کافی بشورشیان عراق رسانیده و از این اغتشاش بهره بردارند و بعبارت دیگر يك آشوب و بلوائی بضرر عراق برپا کرده و خود آنها کنار رفتند و برده از روی آنها تبلیغات دروغ « گولنز » نسبت به مدرسی با ملت عرب بخوبی برداشته شد.

پس ملاحظه می شود که نه دولت ایران حاضر به همکاری با آلمانها بوده است و نه بیگانگان آلمانی مقیم این کشور قادر بایجاد يك اغتشاش و خراب کاری بر علیه استقلال ما و منافع همسایگان در ایران بوده اند.

يك نکته و يك ایراد بر رضاشاه ممکن است وارد باشد که با وجود اعتماد و اطمینان باوضاع داخله کشور و عدم قدرت آلمانها بخرابکاری، چه علت دور خلال این مدت و تا تاریخ ۲۵ مرداد متوجه درك حقایق بطور کامل نگردیده است که اگر خطری متوجه او و کشور باشد تنها از جانب دو همسایه شمالی و جنوبی است نه از طرف آلمانها آنها برای ضرورتی که متفقین داشتند و ما قبلاً بذکر آن پرداختیم، و همچنین بجه دلیل رضاشاه حاضر نشده است که این عده آلمانی را از خاک ایران خارج و رفع بهانه متفقین را کرده باشد ۱۱۲

پاسخ بر سرش دوم اینست که در صورت هملی کردن این موضوع و روانه کردن ۶۹۰ تن آلمانی مقیم ایران (برای مقایسه یاد آور می شویم که تعداد اتباع انگلیس در همان تاریخ ۲۵۹۰ تن بوده است) مشکل بر طرف نمیگردید و چون مقصود نهائی متفقین همان هجوم و اشغال ایران بمنظور استفاده راههای آن برای کمک بشوروی بود، مجدداً ادها میکردند که هنوز تمهات آلمانها در ایران

### قسمت چهارم

فراوان بوده و باژرمانی‌فیل‌های ایرانی خیال برهم زدن اوضاع را دارند و با .....  
درست قضیه ایران و روس و انگلیس شبیه همان قصه کرک و کوسفندی است که  
بر سر يك چشمه رفع عطش میکردند و خوانندگان قطعاً از جریان گفتگو بین  
این دو و عاقبت این حکایت آگاهند!! از این رو بقیده ما در این مورد رضا شاه  
در پیشگاه تاریخ مقصر نبوده است.

خواستن و نخواستن رضا شاه در این کار مدخلیت نداشت چون موضوع بر سر  
انگلیس تنها بود، بلکه روس‌ها در این کار شرکت داشتند و در حقیقت از روز  
۲۹ تیرماه ۱۳۲۰ که دوهمسایه نیرومند شمالی و جنوبی محرمانه نقشه استفاده  
راه ایران را کشیده بودند، کلک رضاشاه نیز کشیده بود، چون توافق نظر  
بادولت ایران با بودن رضاشاه بعزت شرکت روس‌ها بهیچوجه عملی نبود یعنی روس‌ها  
خواستار همکاری بادولتی غیر از حکومت پهلوی اول بودند در صورتی که شاید  
برای انگلیس‌ها ابقای رضاشاه مفیدتر و امن‌تر بود.

این نکته تاریخی و این حقیقت بارز با می‌فهماند که دودولت روس و  
انگلیس بهیچوجه چه مستقیم و چه غیر مستقیم بتوسط دولت ایران درخواست  
استفاده راه کشور ما را ننموده‌اند تا معلوم گردد که ملت ایران قبل از سوم شهریور  
هم دارای حسن نیت نسبت به همسایگان خود بوده است بلکه این دو دولت  
قضایا را با ارسال دو یادداشت معتدل و غیر وارد بر دولت ایران  
و رضا شاه مشتبه ساختند.

اینکه می‌گوئیم مشتبه ساختند، برای آنست که عکس این قضیه را نیز باید  
در نظر گرفت که اگر پهلوی در همان تاریخ بجای بودن یادداشت همسایگان بی‌برده  
و تا قبل از ۲۵ مرداد یقین حاصل کرده بود که دوره تسلط و زمامداری او به  
پایان رسیده است آیا ممکن بود عکس‌العملی از خود نشان دهد!!  
با این وصف مصلحت متفقین در این بود که خواهان همکاری بادولت  
پهلوی نگردند.

علاوه بر این متفقین دقیقاً متوجه بودند که تبلیغات بر علیه ایران و یا مذاکره  
مستقیم با این دولت صورتی بخود بگیرد که از جریان آن آلمانها بمقصودنهایی  
یعنی «اشغال این کشور» برخوردار نمایند، زیرا نازی‌ها در صورت آگاهی از  
این تصمیم، بدون شك بمعالیت پرداخته و پیش از وقوع این اتفاق حتی الامکان  
موانعی را در سر راه آنها ایجاد مینمودند که قطعاً منجر بتعویق این حادثه ضروری

## جنگ اعصاب

و تاریخی میگردید.

از اینجا میتوان پی برد که چگونه عوامل مختلف سبب اعدال یلادداشت مورخه ۲۸ تیرماه و تبلیغات مربوط بآن گردیده اند، در حقیقت کار متفقین در این مورد کمی مشکل شده بود، چه لازم بود که هم بوسیله تبلیغات روحیه مردم دنیا را بر علیه ستون بنجم آلمان در ایران (۱) مستعد نمایند و هم اجبارا از شدت این تبلیغات و فشار خود بر دولت ایران بکامند تا اصل مطلب نیز بر دولت آلمان پوشیده بماند.

انگلیسها در این قضیه روسها را وادار بسکوت نموده و خود عهده دار انجام آن گردیدند و الحق مهارت خویش را نیز در ابغای این رول مهم خوبی ثابت و آشکار کردند، بطوریکه آلمانها در تمام مدت جنگ اعصاب مربوط باتباع آنها در کشور ما اینطور نتیجه گرفتند که چون حادثه ناگهانی و شورش عراق متفقین را مرعوب ساخته است در اینصورت بمنظور احتیاط نسبت به وقوع يك حادثه نوینی در خاور میانه، اخراج این دسته آلمانی را از دولت ایران خواستار شده اند!! و این موضوع هم در مقابل جر بیان عمومی جنگ بکلی فاقد اهمیت میباشد، نازیها در ماه های اول جنگ روسیه بقدری سرمست فتوحات موقتی در خاک شوروی بودند که ابدا توجه بعوادم آئنده در خاور میانه مخصوصا ایران نداشتند، و شکست روسیه را قطعی و پایان یافته تصور میکردند (۱)

تنها یکبار آنهم در تاریخ دهم تیرماه ۱۳۲۰ یعنی ده روز پس از حمله آلمان بشوروی، رادیوی آلمان اطلاع داد که روسها خیال تهدید کردن ایران را رها کردند و از خطر حمله انگلیسها معنی بیان نیاورد و سپس تا تاریخ سوم شهریور هم هیچگونه خبری راجع بعوادم آئنده در ایران از جانب آنها منتشر نگردید، زیرا اطلاعی نداشتند و الا دلیلی نداشت که این مدت را بضر و خوه بسکوت بر گذار نمایند.

در تاریخ دهم تیرماه هنوز مذاکره استفاده واه ایران بین دولتین روس و انگلیس شروع نشده بود و انتشار خبر فوق از طرف آلمانها در آن تاریخ صرفا بمنظور مشوب کردن ذهن هم میهنان ما صورت گرفته است و بس.

در پاسخ رادیوی آلمان بلافاصله شب بعد یعنی (در تاریخ ۱۲ تیرماه) رادیوی مسکو اظهار داشت که: چنین خبری کاملا تکذیب میشود زیرا دولت شوروی همیشه نسبت با ایران و ملت ایران احساسات دوستانه داشته و دارد.

## جنگ اعصاب

شگفتی ملت بی آزار و صلح جوی ایران از اینست که درست یکماه و بیست و سه روز بعد از این گفتار شیرین و امید بخش (۱) طیارات شوروی شهر های بلا دفاع و بار شمال میهن ما را یکی پس از دیگری از قبیل : تبریز رضاییه میانه - پهلوی - رشت و قزوین و غیره مورد بمباران قرار داده و متأسفانه با وجود اختلاف شدید بین این عمل دلخراش و آن اظهارات دوستانه (۱) هر آنچه که نباید بشود و بکنند بوقوع پیوست ، و در نتیجه اهالی غیر نظامی شهر های ایران برای اولین دفعه در تاریخ از طرف بیگانه و همسایه مزه اختلاف گوئی و ابابکدنیا حیرت چشیدند .

مراکز جنگی مانند : ایستگاهها - کارخانجات - راه آهن و یلها که طبق قوانین بین المللی هدف های جنگی بشمار میروند ، بکلی از این پذیرائی گرم (۱) بی بهره بوده اند ، زیرا هجوم دوستان ما در اصل برای استفاده از همین راه های حاضر و آماده و تازه ساز بوده است و حقتان بوده که بهدفعهای بین المللی ما کاری نداشته باشند (۱) لابد اشغال کنندگان آن روز و دوستان فعلی ما خواهند گفت : در جنگ بمها چشم ندارند ، و رعایت قوانین هم برای دشمن قابل اجرا نیست ، ولی خوب بود قبلا این مسئله را حل کرده بودند که در چه جنگ و با کدام دشمنی !!

دولت و ملت ایران که با کسی سر دعوا نداشت ، بیطرفی خود را هم که بوجه احسن حفظ کرده بود و ضمنا از همه مهمتر تقاضائی برای استفاده راه از دولت ایران نشده بود که عدم قبولی آن سبب خشمگینی دول تقاضا کننده شود . بلکه امنیت کامل در سرتاسر خاک ما و رعایت بیطرفی مطلق این کشور در تمام موارد ، خاصه در ایام بحرانی قیام ، رشید عالی گلانی " در عراق بهترین نمونه مساعدت و همراهی ایران بمتفقین قبل از سوم شهریور بوده است .

پس باید انصاف داد که برای همیشه در تاریخ ، جای گله و بازخواست برای ملت ایران باقی است ، مگر اینکه مفاد اعلامیه تاریخی کنفرانس تهران درباره ایران و حق شناسی آن هانست به ما عملا از طرف یکا یک دول امضاء کننده بنحو اکمل اجرا گردد و با جبران خسارات و زحمات ایران لکه ناموزون و نامساعد فوق را در تاریخ دنیا زایل و محو نمایند .

## قسمت چهارم

نیتوان گمت که آلمان ها مایل بخرابکاری و یا ایجاد يك فتنه و فسادى بر ضرر متفقین در ایران نبوده اند، بلکه نه تنها در کشور ما بلکه در تمام دنیا جاسوسان نازى در تکاپو و فعالیت بوده اند و با نهایت اشتیاق کوشش داشتند که يك کشوری را بر علیه انگلیس و روسیه تحریک و یا يك منبع و يك نقطه حیاتی متفقین مانند مراکز فقط آبادان را ویران نمایند ولی تلاش آن ها در ایران بجائی نرسید علت اصلی عدم موفقیت نازی ها در ایران مربوط بحسن سیاست رضاشاه و رفتار آن فقید بادولت آلمان بوده است، جریان این سیاست را ما ذیلا ضمن شرح روابط پهلوی با روس و انگلیس بنظر خوانندگان میرسانیم.

اصولا همکاری و دوستی پهلوی اول با دول خارجی پایه اش بر روی يك «سیاست ملی» استوار گردیده بود، اینکه میگوئیم «ملی» از این لحاظ است که رضاشاه بکلی با روسوخ و نفوذ «ریگانه» در ایران شدیداً مخالفت و مبارزه مینمود، این پادشاه سالهای دراز رحمت فراوان کشید تا بساط گسترده خارجی را در زمان خود بر چیده و به دیار عدم فرستاد و حاضر نبود که بدینوسیله یگانگان بحیثیت و استقلال کشور ایران لطمه و صدمه وارد سازند.

### روابط رضاشاه بادولت بریتانیا

پهلوی در اوایل سلطنتش برای اینکه بتواند بدولت پوشالی ایران تمرکزی بدهد و اوضاع آشفته مملکت را سروسامانی داده و در درجه اول از قیود و نفوذ بیگانه رها سازد، احتیاج مبرم داشت که با انگلیسها بانر می و بانظر مساعد رفتار نماید، بتدریج که کشور ایران را بسلیقه و سهم خود نیرومند و مستعد نمود، با توجه باوضاع بین المللی، موقع را منتهم شمرده و نظر مساعد فوق را با دولت انگلستان صریحاً تبدیل بدوستی متقابل گردانید.

گرچه اولیاء انگلستان نسبت به این امر دلخوش و راضی نبودند ولی جریان اوضاع آن زمان بآنها فرصت و اجازه نپدید که تغییرات دیگری را در خاور میانه خواستار شوند.

بطور کلی سیاست بریتانیا در مورد کشورهای خاور میانه مخصوصاً ایران اینست که: «دولت» این کشورها نیرومند و مستقل باشند و تاموقمی از دخالت انگلیسها محروم و بی نیاز خواهند بود که لطمه به منافع آنها در این ممالک وارد نگردد و یا آنکه بکلی ناامید شوند و بر آنها معلوم گردد که این دولتها قادر و

## جنگ اعصاب

توانا نبوده و پابرجا نیستند!!

انگلیسها میگویند «از لحاظ اینکه ایران دروازه هندوستان و بلکه دروازه «آسیا است باید يك کشور مقتدر و نیرومند باشد، و ضمناً منافع ما که هرگز از «حدود آن تجاوز نخواهیم کرد محفوظ بماند، ماسمی داریم که این کشور همیشه «مستقل بوده و يك دولت خودمختار و بدون دخالت بیگانه در آنجا حکومت نماید. «اینکه گفته میشود ما نیز خواهیم ایران نیرومند گردد بهیچوجه صحیح نمیشود «زیرا پرواضح است که هر اندازه هم این کشور مقتدر باشد نمیتواند که صدمه «بسیار و منافع برساند»

این است سیاست و زبان حال وزارت خارجه امپراطوری انگلیس درباره ایران و غالب رجال ایران که در مواقع لزوم متکی به سیاست راست میگردند مبنایش رسوخ همین عقیده فوق در آنها است.

ولی برای اینان معلوم نیست، این اقتداریکه انگلیسها برای ما خواستارند مشمول ملت هم میشود یاخیر؟ عقیده عدهای بر این است که همسایه جنوبی ما حاضر است که در پیدایش و وجود يك دولت قوی و مستقل در ایران کمک و مساعدت نماید و بایبطرف بماند اما هرگز حاضر نخواهد بود که افراد ملل خاور میانه را بطور کلی سالم و نیرومند ببیند؟!؟

زیرا برعکس آنچه که انگلیسها استدلال میکنند اگر جمعیت ایران در نتیجه ترویج کامل بهداشت و فرهنگ و بالاخره توسعه صنعت، پس از مدتی به ۲۵ میلیون افزایش پیدا کند و همسایگان شرقی و غربی این کشور هم به همین ترتیب و به نسبت جمعیت فعلی آنها نفوسشان زیاد شود و آنوقت بدون شك متحدایا هر يك برای گرفتن حقوق کامل خود قیام نموده و جبران ضایعات و صدماتی که در گذشته جبراً از طرف بیگانگان بآنها تحمیل گردیده است، بعداً خواستار شوند.

البته این سوءظن دوباره ایران صادق نیست، زیرا کشور ما خوشبختانه هم دارای وسعت زیاد و هم دارای منابع طبیعی فراوان است، بر فرض اینکه جمعیت ایران به شصت میلیون هم برسد باز کنجایش آنرا داشته و میتواند بدون درخواست و تقاضای منابع خارجی زندگی این عده را با استفاده از خاک خود تأمین نماید، مانیز تصور نمیکنیم که دولت بریتانیا معتقد به چنین اصل غلطی در مورد ایران باشد و بلکه گمان میکنیم که رنج مدت بیشتر ناشی از سوء سیاست و عدم شجاعت و ابتکار دولتها است، اعضاء يك حکومت قوی هرگز نباید زیر بار زور و فشار



## قسمت چهارم

خارجی برود و صلاح و نفع مملکت خود را مثلاً نه‌ای مختصر رنجش دول نبرومند بیگانه بنماید، وظیفه دولتهای بعد از سوم شهریور ۱۳۲۰ بوده و میباید که تمام آنها طبق مواد و قرار دادهای موجوده بادل اشغال کننده همکاری نمایند و در کلیه موارد نظیر يك مورد (یعنی پاسخ «ساعده» بروسها راجع به امتیاز نفت) مقابله و رو برو گردند.

بهر حال بر روی اصل لزوم پیدایش يك دولت قوی در ایران بوده است که انگلیسها به پشتیبانی و تقویت رضا شاه پرداختند و بعداً هم بعلت خودداری پهلوی از قبول این حمایت سیاست «بغال خود را گذاری» را نسبت بایران ناسوم ششم یور ۱۳۲۰ پیش گرفتند.

### رضا شاه و دولت شوروی

رضاشاه بادولت شوروی هم از همان ابتدای سلطنت خود دوستی کامله متقابل را برقرار و مایل بود که مقررات این دوستی بین طرفین بخوبی رعایت گردد. اینکه شایع شده است پهلوی نسبت به روسها بد بین و با خشونت رفتار کرده است بیچوجه صادق نیست.

خوب که دقت شود، تنها دلیل مهم مروجین عقیده فوق که مسلماً بی منظور هم نمی باشند، آنستکه بجه علت در زمان سلطنت پهلوی عده‌ای را بجرم اشاعه مرام کمونیستی حاس و یا تبعید نموده‌اند؟

این ایراد غیر منطقی هم بیچوجه وارد نیست زیرا همچنانکه زمامداران شوروی حاضر نبوده و بیستنه که در خاک روسیه، عده‌ای بطور مثال مرام «دمکراسی» را رواج دهند، و کوچکترین مجازات این خیانت بزرگ (۱) را تیرباران میدانند، بهمین دلیل دولت ایران یعنی رضاشاه هم در آموغ صلاح خود و کشور خود را در عدم ترویج مرام سوسیالیزه تشجیس داده بود و اگر حقیقتاً باور نمائیم که شورویها با این دلیل نارسا، عقیده مندند که در زمان سلطنت پهلوی سیاست یکطرفی حکمفرما بوده است، هر اینصورت ضرورت دارد که، این ضرب‌المثل ایرانی را درباره آنها یادآور شویم:

« آنچه که بخود روا نداری بدیگران روا مدار.»

در تمام دوران سلطنت پهلوی اول، از طرف مسایه شمالی ما شکایتی در مورد یکطرفی بودن سیاست دولت یا احساس خطر دیگری نشده و همانطوریکه